



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1207

Lesson No: 1207 Tags: American Language Course, UNIT 1207, Glossary

Section	بخش	Want ads	قسمت نیازمندیهای روزنامه، آگهی های روزنامه
Look at	نگاه کردن، دیدن	Editorial	مقاله سردبیر
Sports section	بخش ورزشی	Daily	روزانه
Let me have ...	بده به من ...	The funnies	مطالب خنده دار
First section	بخش اول (روزنامه)	Editor	سردبیر
Article	مقاله، مطلب	Make a date	قرار گذاشتن با دختر
Schools	مدارس	Is this Jean?	(پشت تلفن) آیا شما خانم جین هستید؟
Problems	مشکلات، مسایل	Yes, it is.	(پشت تلفن) بله من جین هستم.
There was	وجود داشت	Who's this?	(پشت تلفن) جنابعالی؟...
Method	روش، متد	How've you been?	چطورید شما؟
I'm not sure.	چی بگم والا... نمی دونم.	Just fine.	خیلی خوبم. ممنون
Make up one's mind	تصمیم گرفتن	If	آیا، که آیا
Decide	تصمیم گرفتن	I called to ask <u>if</u> you're busy.	زنگ زدم بپرسم که آیا شما سرتون شلوغه.
Vacation	تعطیلات	Let's see.	بذار ببینیم. بذار بررسی کنیم.
I made up my mind about the party.	من در مورد مهمانی تصمیمم رو گرفتم.	I don't think I've got anything planned.	فکر نمی کنم هیچ برنامه ای داشته باشم.
Change one's mind	تصمیم خود را عوض کردن	Why?	چطور مگه؟
He never changes his mind.	او هرگز نظرش رو عوض نمی کنه.	Take in	رفتن و تماشا کردن چیزی
Weekend	آخر هفته	I thought we might take in a movie.	فکر کردم شاید بخوایم بریم به فیلمی ببینیم.
So often	مکرراً، غالباً	That sounds like fun.	برنامه با حالی به نظر می رسه.
Date	قرار ملاقات بین دختر و پسر، راندوو	Could you be ready?	می تونی آماده باشی؟
Newspaper	روزنامه	I think so.	فکر کنم بتونم. (در اینجا)
Information	اطلاعات	So	اینگونه
Headline	تیتر روزنامه	Then	آن وقت
Comic	فکاهی، خنده دار	I'll pick you up about then.	من حدوداً همان وقت میام دنبالت.
Strip	تکه، بخش	Fine. It's a date.	خوب، پس قرار ملاقاتمون اینه.
Comic strips	بخش فکاهی، قسمت کاریکاتورهای طنز در روزنامه	So long.	خداحافظ (غیر رسمی و دوستانه)
Front	جلویی، اول، ابتدایی	Just	همین حالا
Front page	صفحه اول روزنامه	They have just been here 10 minutes.	آنها همین الان ده دقیقه است که اینجا بوده اند.
First page	صفحه اول روزنامه	Just	دقیقاً، درست
National	ملی	You arrived <u>just</u> on time.	تو دقیقاً سر وقت رسیدی.
International	بین المللی		
Women's section	بخش بانوان		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1207

Lesson No: 1207 Tags: American Language Course, UNIT 1207, Glossary

<b>During</b>	در طول، در خلال	<b>Alone(adv.)</b>	به تنهایی
<b>Ball game</b>	بیس بال (یا هر مسابقه ای که با توپ انجام می شود.)	<b>It <u>may</u> rain tonight.</b>	امشب ممکن است باران بیارد. (با احتمال قوی تر نسبت به might)
<b>Sound like</b>	به نظر رسیدن (در مورد چیزهایی که شنیده ایم.)	<b>It <u>might</u> rain tonight.</b>	امشب ممکن است باران بیارد. (با احتمال ضعیفتر نسبت به may)
<b>Your plans sound like <u>fun</u>.</b>	برنامه‌های شما با حال به نظر می‌رسند.	<b>Contraction</b>	اختصار، کوتاه کردن
<b>This class sounds like a lot of work.</b>	این‌گزار (به نظر می‌رسد) باید خیلی کار کنیم توی این کلاس.	<b>I'd like to = I would like to</b>	من تمایل دارم...، من می‌خواهم...
<b>You sound like students.</b>	شما به نظر می‌رسد دانشجو باشید.	<b>Best</b>	بهترین
<b>Accept</b>	پذیرفتن، قبول کردن	<b>I like the comic section best.</b>	من قسمت کاریکاتورها رو بیشتر از همه دوست دارم.
<b>Tired</b>	خسته	<b>Prefer</b>	ترجیح دادن
<b>Sleepy</b>	خواب آلوده	<b>Lots of = a lot of = plenty of</b>	خیلی زیاد، به اندازه
<b>Afraid</b>	متأسف، ترسیده	<b>Work</b>	حل کردن (مسأله)
<b>I'm afraid you have the wrong number.</b>	متأسفانه شما اشتباه گرفته اید.	<b>Can you work this math problem?</b>	می‌تونی این مسأله ریاضی رو حل کنی؟
<b>I'm afraid of the dogs.</b>	من از سگ می‌ترسم.	<b>Math = mathematics</b>	ریاضیات
<b>Sorry</b>	متأسف، غمگین	<b>On</b>	درباره، در خصوص
<b>Glad</b>	خوشحال، مسرور	<b>I read the article <u>on</u> sports.</b>	من مقاله درباره ورزش رو خوندم.
<b>We're glad you're here.</b>	خوشحالیم که شما اینجا هستید.	<b>Editorial page</b>	صفحه سردبیر (روزنامه)
<b>Angry</b>	عصبانی	<b>Editor's page</b>	صفحه سردبیر (روزنامه)
<b>He's busy.</b>	سرش شلوغ.	<b>Personal</b>	شخصی
<b>Worried</b>	نگران	<b>Opinion</b>	ایده، نظر، عقیده
<b>Package</b>	بسته، بسته پستی	<b>Famous</b>	مشهور، معروف
<b>Although = though</b>	اگرچه	<b>Boxing</b>	بُکس بازی، مشت زنی (ورزش)
<b>Interchangeable</b>	قابل جا به جایی، قابل معاوضه	<b>Ads = advertisement</b>	تبلیغ، آگهی تجاری
<b>Emphatic</b>	تأکیدی	<b>Fact</b>	واقعیت، نکته
<b>Undecided</b>	دودل، مردد، نامصمم	<b>Definite(Adj.)</b>	معین، مشخص، قطعی
<b>Probably</b>	احتمالاً	<b>Definitely(Adv.)</b>	قطعاً، به طور مشخص، حتماً
<b>Point to</b>	اشاره کردن (به)	<b>Differently(Adv.)</b>	به طور متفاوت
<b>Indicate</b>	نشان دادن، دلالت کردن بر	<b>Report</b>	گزارش
<b>Unwillingness</b>	عدم تمایل	<b>Have you read the weather report yet?</b>	هنوز گزارش آب و هوا رو نخوانده اید؟
<b>He <u>wouldn't</u> leave last week.</b>	او تمایل نداشت هفته پیش بره.	<b>At all</b>	اصلاً، ابدأ
<b>Express</b>	بیان کردن		
<b>Invitation</b>	دعوت		
<b>Would like to...</b>	تمایل داشتن، میل داشتن		
<b>Would you like some coffee?</b>	قدری قهوه میل دارید؟		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1207

Lesson No: 1207 Tags: American Language Course, UNIT 1207, Glossary

<b>He won't read the editorial page <u>at all</u>.</b>	او اصلاً و ابداً صفحه مخصوص سردبیر را نخواهد خواند.	<b>Cake</b>	کیک
<b>Next</b>	بعدی، بعداً	<b>Main</b>	اصلی
<b>What will they do <u>next</u>?</b>	آنها بعدش چه کار خواهند کرد؟	<b>Coke</b>	نوشابه (گازدار مانند کوکاکولا)
<b>Go on a vacation</b>	در تعطیلات جایی رفتن	<b>Would you like one, too?</b>	تو هم به دونه می خواهی؟
<b>Take a break</b>	استراحت کردن	<b>Pay for</b>	بهای چیزی را پرداختن، پول چیزی را دادن
<b>Frequently(adv.)</b>	اغلب (از قیود تکرار)	<b>Instead</b>	در عوض، به جاش
<b>Ice cream</b>	بستنی	<b>Come over</b>	آمدن
<b>Picture (motion picture)</b>	فیلم، فیلم سینمایی	<b>Supper</b>	شام
<b>Shorten</b>	کوتاه کردن	<b>Affirmatively</b>	به شکل مثبت
<b>He has shortened your sleeves.</b>	ایشان آستین های شما را کوتاه کرده است.	<b>The watch ran a long time.</b>	ساعت مچی مدت طولانی کار کرد.
<b>Seldom(adv.)</b>	به ندرت (از قیود تکرار)	<b>Railroad</b>	راه آهن
<b>Symphony</b>	سمفونی، ارکستر سمفونی	<b>Interest</b>	علاقه
<b>Ballet</b>	رقص باله	<b>With</b>	دارای
<b>Right away</b>	زود، به زودی، فوراً	<b>People <u>with</u> many interests</b>	مردم <u>دارای</u> علایق بسیار
<b>So</b>	اینقدر، خیلی زیاد	<b>Contain</b>	در بر داشتن، شامل شدن
<b>Some don't do <u>so</u> well.</b>	بعضی ها خیلی خوب عمل نمی کنند.	<b>Weekly</b>	هفتگی، هفته نامه
<b>Appear</b>	به نظر رسیدن	<b>News</b>	اخبار
<b>What does it sound like?</b>	چطور به نظر می رسه؟	<b>Magazine</b>	مجله
<b>Be seated</b>	نشستن، جلوس نمودن	<b>Perhaps</b>	شاید، احتمالاً
<b>Come in and be seated.</b>	بیا داخل و بفرما بنشین.	<b>Digest</b>	چکیده، خلاصه، کوله وار، مجلاتی که چکیده مطالب مجلات دیگر را چاپ می کنند.
<b>Do not open your books yet.</b>	هنوز نباید کتابها تون رو باز کنید.	<b>Make short</b>	کوتاه کردن
<b>Take</b>	برداشتن	<b>Print</b>	چاپ کردن
<b>Erase</b>	پاک کردن	<b>Picture magazine</b>	مجله تصویری
<b>Shall I start the tape?</b>	می خواهید نوار رو شروع کنم؟	<b>Give the news</b>	خبر را بیان کردن
<b>Let's not talk.</b>	بیا بیاید حرف نزنیم. بیا بیاید صحبت نکنیم.	<b>Photograph</b>	عکس
<b>Do one's best</b>	حداکثر تلاش خود را کردن	<b>Maybe</b>	شاید
<b>Let's try to do our best.</b>	بیا بیاید سعی کنیم زورمونو بزنیم.	<b>Take</b>	طول کشیدن
<b>Cream</b>	خامه، شیر غلیظی که در قهوه می ریزند.	<b>The trip takes more than two weeks.</b>	سفری بیش از دو هفته طول می کشد.
<b>Sugar</b>	شکر	<b>Topic</b>	موضوع
<b>Take</b>	ریختن	<b>Subject</b>	سوژه، موضوع
<b>Do you take cream and sugar?</b>	شیر و شکر می ریزی؟	<b>Favorite</b>	محبوب، مورد علاقه



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1207

Lesson No: 1207 Tags: American Language Course, UNIT 1207, Glossary

<b>Favorite topic of conversation</b>	موضوع مورد علاقه بحث	<b>Fourth</b>	چهارم، چهارمین، (عدد ترتیبی)
<b>Talk</b>	صحبت، سخنرانی	<b>North</b>	شمال
<b>The topic of your talk is interesting.</b>	موضوع صحبت شما جالبه.		
<b>Cartoon</b>	کاریکاتور، نقاشی طنز		
<b>Funny</b>	با مزه، خنده دار		
<b>Note</b>	یادداشت		
<b>Exercise</b>	تمرین		
<b>Take picture</b>	عکس گرفتن		
<b>We went to town and took some pictures.</b>	ما رفتیم شهرستان و تعدادی عکس گرفتیم.		
<b>Though</b>	در هر حال، به هر حال		
<b>I can read it today <u>though</u>.</b>	به هر حال امروز می تونم بخونمش.		
<b>Alternative</b>	گزینه دیگر، جایگزین		
<b>Pattern</b>	الگو، مدل		
<b>Series</b>	سری، ردیف		
<b>In a series</b>	در یک سری		
<b>Tossed salad</b>	سالاد مخلوط (با سس)		
<b>Coleslaw</b>	سالاد کلم		
<b>Ham</b>	گوشت خوک		
<b>Steak</b>	تکه گوشت استیک		
<b>Rare</b>	کم پخته شده، خام (گوشت، تخم مرغ)		
<b>Medium</b>	متوسط پخته شده		
<b>Well done</b>	کاملاً پخته شده		
<b>Cherry</b>	گیلاس		
<b>Lemon</b>	لیمو		
<b>Custard</b>	نوعی دسر شبیه فرنی		
<b>Flow</b>	جریان، روانی، عبور		
<b>Breath</b>	نفس		
<b>Refer to</b>	اشاره کردن		
<b>Cluster</b>	خوشه (مجموعه دو یا چند حرف بی صدا در کنار هم)		
<b>Heart</b>	قلب		
<b>March</b>	رژه رفتن		
<b>Parking</b>	پارکینگ		